شبانه

       ۱

يه شبِ مهتاب

ماه مياد تو خواب

منو مي‌بره

کوچه به کوچه

باغِ انگوري

باغِ آلوچه

دره به دره

صحرا به صحرا

اون جا که شبا

پُشتِ بيشه‌ها

يه پري مياد

ترسون و لرزون

پاشو مي‌ذاره

تو آبِ چشمه

شونه مي‌کنه

موي پريشون...

       ۲

يه شبِ مهتاب

ماه مياد تو خواب

منو مي‌بره

تَهِ اون دره

اون جا که شبا

يکه و تنها

تک‌درختِ بيد

شاد و پُراميد

مي‌کنه به ناز

دسشو دراز

که يه ستاره

بچکه مثِ

يه چيکه بارون

به جاي ميوه‌ش

نوکِ يه شاخه‌ش

بشه آويزون...

       ۳

يه شبِ مهتاب

ماه مياد تو خواب

منو مي‌بره

از توي زندون

مثِ شب‌پره

با خودش بيرون،

مي‌بره اون جا

که شبِ سيا

تا دَمِ سحر

شهيداي شهر

با فانوسِ خون

جار مي‌کشن

تو خيابونا

سرِ ميدونا:

«ــ عمويادگار!

    مردِ کينه‌دار!

   مستي يا هشيار

   خوابي يا بيدار؟»

□

مستيم و هشيار

شهيداي شهر!

خوابيم و بيدار

شهيداي شهر!

آخرش يه شب

ماه مياد بيرون،

از سرِ اون کوه

بالاي دره

روي اين ميدون

رد مي‌شه خندون

يه شب ماه مياد

يه شب ماه مياد...

 ۱۳۳۳

زندانِ قصر